

## پیشنهاد استفاده از اصطلاح‌نامه‌ها در حوزه معنانشناسی - واژه‌شناسی طب سنتی

فرید قاسملو

### چکیده

کشور ایران وارث سنت بسیار قوی دانش پزشکی و نیز شاخه‌هایی از دانش پزشکی است که نه از طریق کلاسیک، بلکه سینه به سینه از گذشتگان به نسل امروز رسیده است. از دیگر سو، طرح مسائل زبان‌شناختی، اصطلاح‌شناختی و معرفت‌شناختی در جامعه و در علوم مختلف باعث شده است دانش پزشکی در شکل گذشته‌نگران در سطوح زبان‌شناختی و اصطلاح‌شناختی دچار ناهماهنگی‌هایی شود. این شماره از پیام بهارستان به‌طور کلی به موضوع پزشکی سنتی یعنی عرصه‌ای از پزشکی اختصاص دارد که ریشه در باورها و حتی اسطوره‌ها دارد، اما در سطح جامعه و حتی در میان نخبگان، هنوز تعیین تکلیف دقیقی درباره نام این شاخه از پزشکی نشده است. گروهی آن را طب مردمی و گروهی دیگر آن را طب مردم پایه نامیده‌اند. این مقاله می‌کوشد برای خروج از این بلاتکلیفی پیشنهادهایی ارائه دهد.

به رغم حضور تاریخی و دامنه‌دار نوعی از دانش پزشکی در میان ایرانیان، که مبدأ اندیشه و روش خود را نه در آموزه‌های دینی و نه در دانش کلاسیک گرفته اند، پژوهش‌های امروزی دربارۀ این شاخه دانش پزشکی نشان می‌دهد یکی از نخستین مؤلفه‌های بررسی دربارۀ این دانش هنوز تبیین نشده است. به عبارت دیگر، هنوز نمی‌دانیم که باید این دانش را «چه بنامیم؟». این بلاتکلیفی هم در زمینه تولید دانش باعث تشتت خواهد شد (چرا که افراد مختلف موضوع بررسی خود را در عین یگانه بودن با «عناوین» متفاوتی معرفی خواهند کرد) و هم در فرآیند بازیابی این دانش باعث بروز مشکل خواهد شد. چرا که

جوینده و پژوهشگر این عرصه لازم است هم به کلیدواژگان متعددی آگاهی داشته باشد و هم، کلیدواژگان متعدد را در جست‌وجوهای خود به کار بندد.

راه برون‌رفت از این دغدغه چیست؟ به نظر مؤلف این سطوح زیرساخت‌های امروزمین موجود در کشور و در عرصه زبان فارسی کاملاً این امکان را در اختیار ما قرار می‌دهند تا با اتخاذ اصطلاح‌هایی فنی و دانشی، و استانداردسازی این واژگان در عرصه دانش مورد نظرمان، از این دغدغه خارج شویم. اما از طرف دیگر، لازم است این انتخاب اصطلاح‌نامه‌ای با بحث‌های نظری بیشتر، و پرداختن به جنبه‌های گوناگون موضوع، و نیز شنیدن آرای دیگران صورت پذیرد. بنابراین، مؤلف این سطور پیش از هر چیز می‌پذیرد که آنچه در این مقاله طرح شده، تنها و تنها گشودن بحث آغازی برای خروج از این تنگناست و نه رسیدن به هدف نهایی. مؤلف این سطور امیدوار است این مقاله آغازی باشد برای رسیدن به استانداردهای واژگانی - اصطلاح‌نامه‌ای برای عرصه و انتخاب معنادارترین واژگان در عرصه‌ای بحث‌ها.

به نظر مؤلف این سطور، بهترین طبقه‌بندی منشأیابی دانش پزشکی در ایران بوسیله فلور (ص ۸۶) انجام شده است. او سه منبع مختلف را برای دانش پزشکی برمی‌شمارد: یکی، طب جالینوسی که باید آن را همان بخش از دانش پزشکی است که در کتاب‌ها و آثار پزشکی دوره اسلامی شرح داده شده و می‌توان را بخش «کلاسیک» دانش پزشکی دانست. دیگر، طب‌النبی که آن بخشی از دانش پزشکی است که ریشه در دانسته‌های مذهبی دارد و می‌کوشد جایگاه دین در دانش پزشکی را بنماید و سوم، طب سنتی که ریشه در فرهنگ عمومی مردم داشته و دارد. این شاخه از دانش پزشکی را نه در میان کتاب‌ها و نه در کلاس‌های درس و گفت‌وگوی پزشکی می‌توان یافت. این همان شاخه از دانش پزشکی است که مردم کوچک و بازار درد خود را با آن درمان می‌کردند و البته موضوع اصلی گفت‌وگوی ما نیز هست.

طی دهه‌های گذشته کوشش بسیاری شده است تا ردپای این بخش از دانش پزشکی بررسی شده و دست‌کم از نابودی و فراموشی نجات پیدا کند.

تقریباً هر کسی که بر تألیف تک‌نگاری به‌ویژه درباره روستاهای ایران دست زده بخشی را به بررسی دانش پزشکی سنتی مردمان روستاها اختصاص داده است (برای مثال؛ صفی‌نژاد، ص ۴۱۴-۴۱۰). در این نوشته مجال آن نیست که به این بحث بپردازیم که چه جایی برای ضبط این روش‌های درمان و روی هم رفته‌ای منشأ دانش پزشکی وجود دارد. ضمن آنکه کمابیش کوشش‌هایی نیز برای جمع‌آوری این شاخه از دانش پزشکی در کشور صورت گرفته و این شماره از این مجله نیز اصولاً برآمده از همین کوشش‌هاست. در این مجال، سخن آن است که این شاخه از دانش پزشکی اصولاً «چه باید نامیده شود». به عبارت دیگر، آن شاخه از دانش پزشکی که ریشه در فرهنگ عمومی مردم دارد، چه نام دارد؟ واقعیت این است که برآمده از تعاریف یا موقعیت‌های گوناگون، این بخش از پزشکی به نام‌های متعددی نامیده شده است: طب سنتی، طب مردمی، طب عامیانه، طب عوام، طب فولکلوریک و طب مردم‌پایه (و هر کدام از این اصطلاحات، یک بار نیز با عبارت «پزشکی» به جای «طب»)، از جمله نام‌هایی هستند که به این بخش از دانش پزشکی داده شده است.

همان‌گونه که پیش از این نیز بدان پرداخته شد، به نظر مؤلف این سطور در دامنه بحث‌های نظری باید کوشش‌هایی صورت گیرد تا به این شاخه از دانش پزشکی نام استانداردشده‌ای داده شود و این نام به عنوان یک اصطلاح مورد قبول همه پژوهشگران این عرصه در اصطلاح‌نامه‌های مربوط به دانش پزشکی جایگاه خود را بیابد. برای پاسخ گفتن به این دغدغه، مؤلف این سطور تصمیم گرفت با بررسی جایگاهی برای این اصطلاح ضمن بررسی ساختار دانش پزشکی در نظام اصطلاح‌شناسانه، به بحث درباره واژگان مترادف این شاخه در اصطلاح‌نامه‌های مربوط بپردازد. خوشبختانه باید گفت از نظر بررسی اصطلاح‌شناسانه، در زبان فارسی موقعیت خوبی برای پرداختن به این عرصه وجود دارد.

مؤلف این سطور به‌ویژه از دو اصطلاح‌نامه برای تبیین این اصطلاحات سود جسته است. یکی، *اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی* (عموماً مشهور به اصف) تهیه شده از سوی فریبرز خسروی (و دیگران، تهران ۱۳۸۰ ش) و دیگر، *اصطلاح‌نامه پزشکی فارسی* ویراست، ۲، تهیه شده فاطمه رها دوست (و دیگران، تهران ۱۳۸۴ ش). همچنین برای تکمیل داده‌ها، از یک کتاب غیر فارسی، با عنوان سرعنوان‌های موضوعی پزشکی (عموماً مشهور به Mesh) سود خواهیم جست. در اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی، از این نظر که با یک اصطلاح‌نامه عمومی «فرهنگی» سر و کار داریم، بسیار مختصر می‌توان ردپای دانش پزشکی و آن واژگان / اصطلاحاتی که ما آن سر و کار داریم را یافت. براین اساس، ما نمودار حرکت از اخص به اعم برای اصطلاحات خود را با استفاده از اصف به شکل زیر ترسیم می‌کنیم:

طب سنتی (Traditional Medicine)

علوم پزشکی

علوم تجربی

فناوری و علوم تجربی

در این اصطلاح‌نامه برای طب سنتی یک اصطلاح اخص وجود دارد: حجامت، همچنین، هم‌عرض اصطلاح طب سنتی، اصطلاح طب اسلامی (Islamic Medicine) نیز وجود دارد. بنابراین در اصف، دست‌کم به دو شاخه از منابع پزشکی دوره اسلامی، یکی طب اسلامی (یعنی همان طب با ریشه جالینوسی) و دیگر طب سنتی پرداخته شده است.

اما در *اصطلاح‌نامه پزشکی فارسی* (و ناظر به تخصصی بودن این اصطلاح‌نامه) با شاخه‌های وسیعی از دانش پزشکی، ملحقات و افزوده‌های آن روبه‌رو هستیم که به ما کمک می‌کند تخصصی‌تر به سراغ مسئله خود برویم.

برای یافتن اصطلاح مورد نظر خود (طب سنتی یا اصطلاحی نزدیک آن) باید به بررسی مفهوم وسیع دانش پزشکی برای اصطلاح‌نامه بپردازیم. دانش پزشکی برای اصطلاح‌نامه به ۱۴ مقوله زیر تقسیم شده است:

۱- ارگان‌سیم‌ها

۲- بهداشت و تندرستی

۳- بیماری‌ها

- ۴- ترکیبات شیمیایی و داروها
- ۵- تشخیص
- ۶- درمان‌شناسی
- ۷- دندان‌پزشکی
- ۸- روانشناسی و روان‌پزشکی
- ۹- علوم دیگر
- ۱۰- علوم زیستی
- ۱۱- فنون پزشکی
- ۱۲- کالبدشناسی
- ۱۳- گروه‌ها
- ۱۴- وسایل و تجهیزات پزشکی

مقوله درمان‌شناسی (Therapeutics) در این نظام خود مقوله‌ای بسیار وسیع و با ۶۳ اصطلاح اخص است که از جمله شاخه‌های این مفهوم، اصطلاح‌های زیر هستند:

آب‌درمانی

پزشکی سنتی (Traditional Medicine)

دارودرمانی

رقص‌درمانی

نوردرمانی

ورزش

هنردرمانی

ذیل پزشکی سنتی، ما با سه شاخه از این پزشکی روبه‌رو می‌شویم: پزشکی سنتی شرقی، پزشکی عربی، پزشکی هندی. و ذیل پزشکی سنتی شرقی، پزشکی سنتی چینی نیز اصطلاحی اخص دیده می‌شود. این سلسله مراتب را از اخص به اعم به شکل نمودار رسم می‌کنیم:

پزشکی سنتی چینی Medicine, Chinese Traditional

پزشکی سنتی شرقی Medicine, Oriental Traditional

پزشکی عربی Medicine Arabic

پزشکی هندی Medicine, Ayurvedic

درمان‌شناسی Therapeutics

پزشکی Medicine

نکته مهم اینجاست که اصطلاح پزشکی سنتی اصطلاحی مرجح، برای سه اصطلاح غیرمرجح دیگر نیز انتخاب شده است:

پزشکی بومی Medicine, Indigenous  
پزشکی عامیانه Folk Medicine  
درمان‌های خانگی Home Remedies

و بر این اساس، اصطلاح پزشکی سنتی بر ۳ اصطلاح دیگر ارجحیت دارد. با توجه به اینکه ما واژه پزشکی عربی را اصطلاح مناسبی نمی‌دانیم (چرا که تنها احاطه زبان عربی بر طیف وسیع آثار تألیف‌شده آن را به سوی عربی نامیدن سوق می‌دهد) و ما به جای آن، اصطلاح پزشکی اسلامی را پیشنهاد می‌کنیم، بر این اساس، در این اصطلاح، با اصطلاح‌نامهٔ اصفا به وجه اشتراک می‌رسیم. همچنین، مقایسه دیگر اصطلاح‌های اخص در اصطلاح‌نامه پزشکی فارسی (ج ۱، ص ۲۶۳) نشان می‌دهد آنچه پزشکی سنتی در این مقوله تعریف شده همان دانش پزشکی جالینوسی است و نه پزشکی مردمی، چرا که ذیل پزشکی سنتی شاخه‌های مهم پدیدآورنده دانش پزشکی شرقی، شامل پزشکی اسلامی، پزشکی هندی و پزشکی چینی معرفی شده‌اند (با توجه به اینکه بر این مقوله باید پزشکی جالینوسی را مفهومی غربی دانست، و در نهایت اینکه در بررسی اصطلاح‌نامه پزشکی تنها جایی که به پزشکی عامیانه (Folk Medicine) نزدیک‌ترین اصطلاح به واژه مورد نظر ما از نظر معنایی) می‌رسیم، ترجیح پزشکی سنتی بر پزشکی عامیانه است. بنابراین، به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان اصطلاح‌نامه پزشکی فارسی با اختیار کردن واژه پزشکی سنتی علاوه بر اینکه حیطه معنایی دانش پزشکی را مدنظر داشته‌اند، در همین اصطلاح، دانش پزشکی عامیانه را نیز مشمول این قلمرو معنایی دانسته‌اند. با بررسی سرعنوان‌های موضوعی پزشکی (Mesh) بیشتر می‌توان به ردپاهایی از موضوع مورد علاقه ما دست پیدا کرد. در مش نیز یکی از جایگاه‌های پزشکی سنتی (Traditional Medicine) ذیل درمان‌شناسی و به عنوان یکی از اخص‌های درمان‌شناسی است. با این تفاوت که در مش بر خلاف اصطلاح‌نامهٔ پزشکی فارسی، اصطلاحات اخص بیشتری ذیل اصطلاح پزشکی سنتی وجود دارد. علاوه بر پزشکی سنتی افریقا، پزشکی عربی، پزشکی آبرودیک، پزشکی شرق آسیا، در مش واژگان اخص دیگری نیز وجود دارند. از جمله شمنیسم. همچنین، باید گفت در مش یک بار دیگر نیز پزشکی سنتی دیده می‌شود و آن ذیل علوم اجتماعی است. به اهمیت این حضور دوباره اجازه بدهید این اصطلاح را ذیل علوم اجتماعی از اخص به اعم به ترتیب بیاورم:

پزشکی آیورودیک Medicine Ayurvedi

پزشکی سنتی افریقا Medicine African tr

پزشکی سنتی شرق آسیا Medicine East Asian Traditional

پزشکی عربی Medicine Arabic

پزشکی یونانی Medicine Unani

داروشناسی قومی (Ethnopharmacology)

شمنیسم Shamanism

پزشکی سنتی (M T)

فرهنگ

مردم‌شناسی فرهنگی  
مردم‌شناسی  
علوم اجتماعی  
علوم دیگر

همچنین، ذکر این نکته ضروری است که اصطلاح پزشکی یونانی، بیان‌گر نظام فکری و علمی پزشکی سرزمین هند پس از ورود اسلام به این سرزمین و تحت تأثیر آرای جالینوس (و دیگر پزشکان یونانی) است. در شبه قاره، منظور از پزشکی یونانی، دانش پزشکی دوره اسلامی (به تعبیر ما) است. نکته مهم دیگر مش و آن حضور فرهنگ عامه (Folklor) در نظام طبقه‌بندی مش است. فرهنگ عامه یک جا در مش دیده می‌شود و این یک بار هم، این اصطلاح در عرض پزشکی سنتی (T M) و به عنوان یکی از اصطلاحات اخص فرهنگ به دلیل اهمیت بررسی این رده‌بندی اجازه بدهید ترتیب این اصطلاح این بار از اعم به اخص بیاوریم

علوم دیگر

علوم اجتماعی

مردم‌شناسی

مردم‌شناسی فرهنگی

فرهنگ

تشیع جنازه Funeral Rites

تمدن Civilization

تکامل فرهنگی Culture Evolution

پزشکی سنتی T M

انسان‌شناسی Ethnology

آداب رفتاری Ceremonial Behavior

ختنه در زنان Female Circumcion

مقایسه میان فرهنگی Cross- Culturalcom

تنوع فرهنگی Cultural Parsian Diversity

فرهنگ عامه Folker

خرافات Supersitions

تابو Taboo

بر این اساس می‌توان گفت پدیدآورندگان مش هنگام ترسیم قواره برای عناصر فرهنگی مرتبط با پزشکی، هم به پزشکی سنتی نظر داشته‌اند و هم به فرهنگ عامیانه. آیا بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت همچنان تعبیر پدیدآورندگان مش از پزشکی سنتی (T M)، همان بخش «دانشی» پزشکی (بر اساس تقسیم‌بندی منشأ سه‌گانه دانش پزشکی که پیش از این بدان اشاره کردیم) بوده است؟

همچنین، ما مجبوریم به دو دلیل به رسم نمودارهایی کلی، و فارغ از حضور پزشکی سنتی در آنها بپردازیم.

۱- لازم است نقش اصطلاح «علوم دیگر» در نظام فکری دانش پزشکی بررسی شود. چرا که پیش از این چند بار به این اصطلاح برخوردیم.

۲- باید دید نقش و جایگاه «تاریخ پزشکی» در نظام کلی دانش پزشکی چیست؟ چرا که پرداختن به تاریخ پزشکی برای درک منشأهای سه‌گانه دانش پزشکی (که پیش از این بدان‌ها اشاره کردیم) لازم و ضروری است. در اصطلاح‌نامه پزشکی فارسی تاریخ پزشکی در دو موضع دیده می‌شود. یکی، جایی است که این اصطلاح در کنار اصطلاح آموزش پزشکی یکی از اصطلاحات مرتبط با پزشکی دیده می‌شود و دیگری تاریخ پزشکی یکی از اصطلاحات اخص تاریخ با رأس علوم دیگر. ترتیب حضور هر دوی این اصطلاح‌ها به شرح زیر هستند:

علوم زیستی

تغذیه

ژنتیک

علوم زیست‌شناختی

مشاغل بهداشتی

آسیب‌شناسی گفتار و زبان

بهداشت محیط زیست

بینایی‌سنجی

پرستاری

داروسازی

دامپزشکی

دندانپزشکی

پزشکی

پزشکی بالینی

پزشکی اجتماعی

آموزش پزشکی

تاریخ پزشکی

علوم دیگر

علوم عملی و کاربردی

علوم طبیعی غیرپزشکی



علوم ریاضی  
علوم اجتماعی  
علوم انسانی  
اخلاق  
ادبیات  
دین  
فلسفه  
موسیقی  
هنر  
تاریخ  
تاریخ پرستاری  
تاریخ پزشکی  
تاریخ دندان‌پزشکی  
سمبل‌ها و نمادها  
کیمیاگری.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

واقعیت این است که پیش از هر چیز لازم است به موضوع منشأهای سه‌گانه دانش پزشکی با امعای نظر بیشتری بپردازیم. توجه به این ساختار کلان به درک ما از ساختار اسلامی - ایرانی دانش پزشکی بسیار کمک کرده و باعث خواهد شد اصطلاحات دقیق‌تری به کار گرفته شوند. در عین حال، به نظر می‌رسد لازم است براساس همین ساختار (در صورت تایید نخبگان) تغییرات کوچکی در ساختارشناسی پزشکی در اصطلاح‌نامه پزشکی فارسی داده شود.

با درک ساختار پزشکی طرح شده در اصطلاح‌نامه پزشکی فارسی و نیز مش، و با عنایت به منشأهای سه‌گانه دانش پزشکی در نظام ایرانی - اسلامی آن، و با عنایت به لزوم درک حضور دانش‌های دیگر در عرصه پزشکی، که در مش به تفصیل بدان پرداخته شده و ما نیز نمودار آن را رسم کردیم، و با عنایت به حضور همزمان طب سنتی (T M) و نیز فرهنگ عامه در این ساختار، ما واژه طب سنتی/ پزشکی سنتی را حامل بیشترین بار معنایی برای معرفی آن شاخه از دانش پزشکی می‌دانیم که ریشه در فرهنگ عمومی مردم داشته و دارد. در این اختصاص اصطلاح مناسب برای طب جالینوسی راه یافته به سرزمین‌های اسلامی «طب/ پزشکی دوره اسلامی» و فرهنگ عامه (Folker) نیز آن عرصه از معلومات انسان‌شناختی خواهد بود که در آنها داده‌های پزشکی وجود ندارد و غیرمستقیم با معارف پزشکی در ارتباطند.

باید امیدوار بود این نقطه، آغازی باشد برای پرداختن به بحث‌های نظری بیشتر و عمیق‌تر برای رسیدن به اصطلاح‌هایی استاندارد و مناسب.



## منابع

فاطمه رهادوست (و دیگران)، اصطلاحنامه پزشکی فارسی: نمایه درختی، نمایه الفبایی، نمایه گردش‌ی و نمایه انگلیسی به فارسی، ویراست ۲، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ ش.

جواد صفی‌نژاد، طالب‌آباد، نمونه‌ جامعی از بررسی یک ده، تهران، ۱۳۵۵.

ویلیام فلور، سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر، ۱۳۸۶.

U. S. National Library of Medicine. *Medical Subject Headings*. Bethesda, 2007.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی